ASPI | Afarand Scholarly Publishing Institute; Turkey
ISSN: 2538-4384; Geographical Researches. 2025;40(3):279-286 10.58209/geores.40.3.279

Effects of Physical and Social Attributes of Urban Spaces on Users' Behavioral Patterns

ARTICLE INFO

Article Type
Original Research

Authors
Pooshasb A.[1]* *MSc*

How to cite this article
Pooshasb A. Effects of Physical and Social Attributes of Urban Spaces on Users' Behavioral Patterns. Geographical Researches. 2025;40(3):279-286.

[1]Department of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

***Correspondence**
Address: Department of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Enghelab Square, Vesal Street, Tehran, Iran. Postal Code: 1478734787
Phone: +98 (21) 44358680
arashpooshasb@gmail.com

Article History
Received: August 19, 2025
Accepted: September 27, 2025
ePublished: October 05, 2025

ABSTRACT

Aims Urban public spaces play a fundamental role in enhancing social interactions, liveliness, and the overall quality of urban life. However, in many contemporary cities, the relationship between the physical and social attributes of urban spaces and their influence on users' behavioral patterns has not been systematically examined. This study aimed to conduct a comparative analysis of the effects of physical and social characteristics of urban spaces on users' behavioral patterns.

Methodology The research employed an applied-analytical approach using a survey method in three major public areas of Tehran including Mellat Park, Laleh Park, and Bamland Complex. The statistical population consisted of users of these spaces, among whom 375 participants were selected through Cochran's formula and stratified random sampling. Data were collected via a researcher-designed questionnaire and analyzed using one-way ANOVA and Pearson correlation tests in SPSS 27 software.

Findings There is significant differences in three spaces regarding users' social characteristics and optional activities, while physical attributes showed no statistically significant differences. Correlation analyses revealed that physical features played the most prominent role in shaping user behavior in Mellat Park, social features in Bamland, and environmental quality in Laleh Park. These findings highlight that social dimensions of users have a more decisive influence on behavioral patterns than purely physical elements.

Conclusion The study emphasizes the necessity of human-centered design and socially responsive management of public spaces to foster livelier, more inclusive, and behaviorally adaptive urban environments.

Keywords Urban Public Spaces; Behavioral Patterns; Physical Characteristics; Social Characteristics; Urban Liveliness; Human-Centered Design; Tehran

CITATION LINKS

[Askarizad & He, 2025] The role of urban furniture in promoting gender equality and static social activities in public spaces; [Askarizad & Safari, 2020] The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces (case study: The pedestrian zone of Rasht Municipality Square, Iran); [Barker, 1963] The stream of behavior: Explorations of its structure & content; [Barros & Mehta, 2024] Does restorativeness support liveliness on commercial streets?; [Carmona, 2019] Principles for public space design, planning to do better; [Gehl, 2011] Life between buildings: Using public space; [Lei *et al.*, 2025] Evaluation and application of public space in commercial buildings based on user behaviour needs; [Liang & Leng, 2025] Residents' seasonal behavior patterns and spatial preferences in public open spaces of severely cold regions: Evidence from Harbin, China; [Luo *et al.*, 2025] A systematic review of factors affecting user behavior in public open spaces under a changing climate; [Marasinghe *et al.*, 2024] Computer vision applications for urban planning: A systematic review of opportunities and constraints; [Mehta & Nogalski, 2024] Suburban camouflage in urban neighbourhoods: New building typologies and their impact on social life of residential streets; [Mehta, 2019] Streets and social life in cities: A taxonomy of sociability; [Mehta & Bosson, 2018] Revisiting lively streets: Social interactions in public space; [Mulyadi *et al.*, 2022] Walkability and importance assessment of pedestrian facilities on central business district in capital city of Indonesia; [Pooshasb *et al.*, 2025] Explaining the indicators of Life between buildings in Honarmandan park; [Vidal *et al.*, 2022] Patterns of human behaviour in public urban green spaces: On the influence of users' profiles, surrounding environment, and space design; [Wronkowski, 2025] Towards discovering human urban activity-tactics of human spatial behavior; [Yıldırım & Çelik, 2023] Understanding pedestrian behavior and spatial relations: A pedestrianized area in Besiktas, Istanbul;

Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

تاثیر ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری کاربران

آرش پوشاسب* MSc
گروه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

اهداف: فضاهای عمومی شهری نقشی بنیادین در ارتقای تعاملات اجتماعی، سرزندگی و کیفیت زندگی شهروندان دارند. با این حال، در بسیاری از شهرهای معاصر، رابطه میان ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضا و چگونگی تاثیر آن بر رفتار کاربران به صورت نظام‌مند بررسی نشده است. این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی تاثیر ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری کاربران انجام شد.

روش‌شناسی: مطالعه حاضر از نوع کاربردی-تحلیلی بوده و به روش پیمایشی در سه فضای عمومی شاخص تهران شامل پارک ملت، پارک لاله و مجموعه بام‌لند انجام شد. جامعه آماری شامل کاربران این فضاها بود که ۳۷۵ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته گردآوری و با آزمون‌های آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) و همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS ورژن ۲۷ تحلیل شد.

یافته‌ها: میان سه فضای مورد بررسی از نظر ویژگی‌های اجتماعی کاربران و فعالیت‌های اختیاری تفاوت معناداری وجود داشت، در حالی که ویژگی‌های کالبدی تفاوت آماری معناداری نشان ندادند. همچنین روابط همبستگی نشان داد در پارک ملت ویژگی‌های کالبدی، در بام‌لند ویژگی‌های اجتماعی و در پارک لاله کیفیت محیطی بیشترین تاثیر را بر الگوهای رفتاری داشتند.

نتیجه‌گیری: ابعاد اجتماعی کاربران نقش تعیین‌کننده‌تری در شکل‌دهی رفتار نسبت به عناصر کالبدی دارند و تاکید بر طراحی انسان‌محور و مدیریت اجتماعی فضاهای عمومی می‌تواند به ارتقای کیفیت تجربه شهری منجر شود.

کلیدواژگان: فضاهای عمومی شهری، الگوهای رفتاری، ویژگی‌های کالبدی، ویژگی‌های اجتماعی، سرزندگی شهری، طراحی انسان‌محور، تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

*نویسنده مسئول: arashpooshasb@gmail.com

مقدمه

در دهه‌های اخیر، کیفیت فضاهای عمومی شهری به یکی از شاخص‌های بنیادین سنجش زیست‌پذیری شهرها تبدیل شده است. شهرهای معاصر در سراسر جهان با چالش‌های متعددی در زمینه پویایی اجتماعی، هویت مکانی و رفتارهای انسانی مواجه‌اند؛ چالش‌هایی که به طور مستقیم با طراحی، مدیریت و تجربه فضاهای عمومی مرتبط هستند [Mehta, 2019; Carmona, 2019; Pooshasb *et al.*, 2025]. فضاهای عمومی، فراتر از بسترهای فیزیکی تردد و توقف، صحنه‌هایی برای تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری حس تعلق و تجربه زیسته شهروندان محسوب می‌شوند. از این رو، تحلیل رفتار کاربران در این فضاها نه‌تنها به فهم پویایی‌های اجتماعی شهر می‌انجامد، بلکه ابزار راهبردی برای ارتقای کیفیت طراحی شهری فراهم می‌کند [Askarizad & Safari, 2020; Barros & Mehta, 2024].

پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر بر اهمیت رابطه میان ویژگی‌های کالبدی فضا و الگوهای رفتاری کاربران تاکید کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که مولفه‌هایی چون فرم فضایی، نحوه دسترسی، خوانایی محیط و کیفیت مبلمان شهری می‌توانند بر نوع و میزان استفاده از فضا تاثیرگذار باشند [Lei *et al.*, 2025; Liang & Leng, 2025]. در این میان، کیفیت طراحی فضا نه‌تنها تعیین‌کننده قابلیت استفاده آن است، بلکه به واسطه تقویت تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های اختیاری، می‌تواند به افزایش سرزندگی و امنیت اجتماعی منجر شود [Vidal *et al.*, 2022; Mehta & Bosson, 2018]. با این حال، رفتار انسانی در فضاهای شهری را نمی‌توان صرفاً با ویژگی‌های فیزیکی تبیین کرد؛ چرا که این رفتارها محصول پیچیده‌ای از تعامل عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی هستند [Mulyadi *et al.*, 2022; Yıldırım & Çelik, 2023]. در مطالعات رفتارشناسی فضا، پژوهشگران بر دو بُعد کلیدی درک فضا (کالبدی و اجتماعی) تاکید دارند. ویژگی‌های کالبدی شامل ساختار فضایی، کیفیت طراحی، مبلمان و امکانات هستند که بستر فیزیکی تعامل را شکل می‌دهند؛ در حالی که ویژگی‌های اجتماعی شامل ترکیب جمعیتی کاربران، نوع روابط گروهی و حس تعلق به فضا می‌شود [Pooshasb *et al.*, 2025; Wronkowski, 2025; Vidal *et al.*, 2022]. تعامل میان این دو بُعد است که کیفیت تجربه شهری را تعیین می‌کند و در نهایت به شکل‌گیری الگوهای رفتاری منسجم یا پراکنده منجر می‌شود [Askarizad & He, 2025]. در این زمینه، نظریه‌های کلاسیکی مانند زندگی میان ساختمان‌ها اثر *یان گل* [Gehl, 2011] و مطالعات اخیر در حوزه تاکتیک‌های رفتاری شهری [Wronkowski, 2025] نشان داده‌اند که میزان استفاده از فضاهای عمومی تابعی از ترکیب مولفه‌های کالبدی و اجتماعی است، نه صرفاً یکی از آنها. با وجود این پیشرفت‌ها، بخش قابل توجهی از ادبیات موجود به صورت تک‌بُعدی به موضوع رفتار کاربران پرداخته است. برخی پژوهش‌ها صرفاً بر مولفه‌های فیزیکی تمرکز داشته‌اند و از ابعاد اجتماعی و فرهنگی استفاده‌کنندگان غفلت کرده‌اند [Lei *et al.*, 2025]. در حالی که گروهی دیگر تنها از منظر تعاملات اجتماعی به تحلیل رفتار فضایی پرداخته‌اند [Askarizad & Safari, 2020; Vidal *et al.*, 2022]. افزون بر این، اغلب مطالعات پیشین به بررسی موردی یک فضا محدود بوده‌اند و کمتر پژوهشی به مقایسه تطبیقی چند فضای عمومی با کارکردها و بسترهای اجتماعی متفاوت پرداخته است. چنین رویکردی مانع از درک جامع روابط متقابل میان کالبد، اجتماع و رفتار شده و شناخت پژوهشگران از سازوکارهای شکل‌گیری الگوهای رفتاری در بسترهای متنوع شهری را محدود ساخته است.

افزون بر محدودیت‌های نظری، از نظر جغرافیایی نیز شکاف‌های قابل توجهی در ادبیات وجود دارد. بخش عمده‌ای از مطالعات در

زمینه رفتار کاربران در فضاهای عمومی، در شهرهای اروپایی و آمریکایی انجام شده‌اند، جایی که ساختار فرهنگی، نظام مدیریتی و نحوه استفاده از فضاهای عمومی تفاوت اساسی با شهرهای خاورمیانه دارد [Liang & Leng, 2025; Luo *et al.*, 2025]. در شهرهایی مانند تهران، ترکیب پیچیده‌ای از الگوهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر رفتار کاربران اثر می‌گذارد و همین امر ضرورت تحلیل بومی‌شده این روابط را دوچندان می‌کند. به‌ویژه در فضاهای عمومی پرمخاطب نظیر پارک‌های شهری و مجموعه‌های تفریحی، درک چگونگی تعامل میان عوامل کالبدی و اجتماعی می‌تواند مبنای بهبود طراحی و مدیریت شهری قرار گیرد.

تهران به عنوان یکی از کلانشهرهای پویا اما با چالش‌های فراوان منطقه، دارای تنوع گسترده‌ای از فضاهای عمومی است که هر یک کارکرد اجتماعی و کالبدی متفاوتی دارند. پارک‌های شهری مانند ملت و لاله با پیشینه تاریخی و ساختار سبز خود، نمایانگر الگوهای رفتاری سنتی‌تر و خانوادگی هستند، در حالی که مجموعه‌های نوینی مانند بام‌لند با ترکیب عملکردهای تجاری و تفریحی، بستر رفتارهای نوین و چندمنظوره را فراهم کرده‌اند. مقایسه تطبیقی این فضاها می‌تواند درک دقیقی از نحوه تاثیر طراحی فضا و ترکیب اجتماعی کاربران بر رفتارهای عمومی شهروندان ارایه دهد؛ درکی که تاکنون در مطالعات داخلی به‌ندرت مورد توجه نظام‌مند قرار گرفته است [Pooshasb *et al.*, 2025; Askarizad & He, 2025].

در چنین بستری، ضرورت انجام پژوهشی که بتواند به صورت همزمان ابعاد کالبدی و اجتماعی فضا را بررسی کند، بیش از پیش احساس می‌شود. بررسی تطبیقی چند فضای عمومی با کارکردها و ساختارهای متفاوت، این امکان را فراهم می‌کند که الگوهای مشترک و متمایز رفتار کاربران شناسایی و ارتباط آنها با ویژگی‌های محیطی و اجتماعی تحلیل شود. این رویکرد نه‌تنها به غنای نظری ادبیات رفتارشناسی فضاهای عمومی می‌افزاید، بلکه می‌تواند به عنوان ابزار تصمیم‌گیری در طراحی شهری و سیاست‌گذاری‌های مدیریت فضاهای عمومی در کلانشهرهای مشابه مورد استفاده قرار گیرد [Carmona, 2019; Luo *et al.*, 2025]. از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی، دگرگونی سبک زندگی شهری و گسترش فضاهای چندمنظوره، ضرورت بازنگری در نحوه تحلیل رفتار کاربران را افزایش داده‌اند. امروزه، پایداری اجتماعی شهرها تنها در گرو طراحی فضاهای زیبا نیست، بلکه به چگونگی پاسخ این فضاها به نیازهای متنوع کاربران، قابلیت انعطاف در استفاده و ارتقای تجربه انسانی بستگی دارد [Vidal *et al.*, 2022; Lei *et al.*, 2025]. بنابراین، مطالعه روابط میان ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی نه‌تنها بعد علمی دارد بلکه از منظر سیاست‌گذاری شهری نیز حایز اهمیت است، زیرا می‌تواند راهکارهایی برای تقویت تعاملات اجتماعی، افزایش حس تعلق و ارتقای کیفیت زندگی در فضاهای عمومی ارایه کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی تاثیر ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری کاربران در سه فضای عمومی شاخص شهر تهران شامل پارک ملت، پارک لاله و مجموعه بام‌لند انجام شد. این مطالعه تلاش کرده است تا با رویکردی تلفیقی، به بررسی نحوه تعامل میان مولفه‌های کالبدی (نظیر فرم فضایی، کیفیت مبلمان، خوانایی و دسترسی) و مولفه‌های اجتماعی (از جمله ترکیب جمعیتی، تعاملات گروهی و حس تعلق به فضا) بپردازد و تبیین کند که چگونه این عوامل مشترکاً الگوهای رفتاری کاربران را شکل می‌دهند. هدف نهایی این پژوهش آن است که چارچوبی تحلیلی برای درک و بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهری ارایه دهد که مبتنی بر تعامل دوسویه کالبد و اجتماع باشد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی تاثیر ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری کاربران در سه فضای عمومی شاخص شهر تهران شامل پارک ملت، پارک لاله و مجموعه تفریحی-فرهنگی بام‌لند در سال ۱۴۰۴ انجام شد. این پژوهش به صورت پیمایشی با رویکرد کاربردی-تحلیلی طراحی گردید. روش پیمایشی انتخاب شد زیرا هدف، جمع‌آوری داده‌های میدانی و بررسی رفتار کاربران در محیط‌های واقعی و تحلیل رابطه علّی-مقایسه‌ای میان مولفه‌های مستقل (ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضا) و مولفه‌های وابسته (الگوهای رفتاری کاربران) بود. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه ساختاریافته جمع‌آوری شدند و با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب تحلیل گردیدند. جمع‌آوری داده‌ها در بهار ۱۴۰۴ و در ساعات پررفت‌وآمد (عصرها و تعطیلات آخر هفته) انجام شد تا حضور کاربران و الگوهای رفتاری آنها به طور واقعی مشاهده و ثبت شود.

جامعه آماری پژوهش شامل تمام کاربران سه فضای مورد مطالعه بود و نمونه‌گیری با استفاده از روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا نمایندگی گروه‌های مختلف سنی، جنسیتی و خانوادگی تضمین گردد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۶ نمونه تعیین شد و برای هر فضا حدود ۱۲۵ نفر در نظر گرفته شد که در مجموع ۳۷۵ پاسخ معتبر جمع‌آوری گردید. نمونه‌ها براساس ترکیب جمعیتی و نحوه حضور در فضا گروه‌بندی شدند تا امکان تحلیل دقیق رفتارهای گروهی و فردی فراهم شود.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه ساختاریافته بود که به صورت میدانی و با حضور پژوهشگر میان کاربران سه فضای مورد مطالعه توزیع شد. طراحی پرسش‌نامه در چهار مرحله انجام گرفت تا هم از روایی محتوایی و هم از پایایی آماری اطمینان حاصل شود.

۱- تدوین مفهومی شاخص‌ها: در این مرحله، مولفه‌های پژوهش براساس مرور نظام‌مند ادبیات نظری و مطالعات پیشین استخراج شدند. دو بُعد اصلی شامل ویژگی‌های کالبدی و ویژگی‌های اجتماعی کاربران به عنوان مولفه‌های مستقل و الگوهای رفتاری به عنوان مولفه وابسته تعیین گردیدند. شاخص‌های جزیی‌تر هر مولفه با اتکا بر مطالعات [Gehl, 2011; Mehta, 2019; Askarizad & Safari, 2020; Vidal *et al.*, 2022; Askarizad & He., 2025; Pooshasb *et al.*, 2025] تعریف شدند.

۲- طراحی پرسش‌ها: برای هر شاخص متناسب با چارچوب نظری، چند گویه و در مجموع ۶۱ پرسش تدوین شد و از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از ۱=بسیار کم تا ۵=بسیار زیاد) استفاده گردید تا سنجش نگرش و ادراک کاربران از هر مولفه امکان‌پذیر شود. برای مثال، گویه‌های مربوط به کیفیت مبلمان شهری شامل مواردی چون «راحتی و در دسترس‌بودن صندلی‌ها» یا «تناسب مبلمان با فعالیت‌های گروهی» بود.

۳- ارزیابی روایی محتوایی: نسخه اولیه پرسش‌نامه توسط پنج متخصص حوزه مطالعات شهری و جامعه‌شناسی شهری بررسی شد. نظرات آنان در خصوص وضوح مفاهیم، تناسب شاخص‌ها و حذف موارد تکراری اعمال گردید. در نتیجه، پرسش‌نامه نهایی شامل ۴۲ گویه در قالب هفت مولفه اصلی شد: ویژگی‌های کالبدی فضا، ویژگی‌های اجتماعی کاربران، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های اختیاری، فعالیت‌های اجتماعی، ارزیابی تجربه فضایی و عوامل محیطی-اقلیمی.

۴- اجرای آزمایشی و اصلاح نهایی: برای اطمینان از شفافیت و درک مفاهیم، پرسش‌نامه به صورت آزمایشی در میان ۳۰ نفر از کاربران (هر فضا ۱۰ پرسش‌نامه) توزیع شد. تحلیل اولیه پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ انجام شد و همه مولفه‌ها مقدار بالاتر از ۰/۷۰ را نشان دادند؛ لذا پرسش‌نامه از ثبات درونی قابل قبول برخوردار بود. مراحل پژوهش شامل مشاهده میدانی برای شناسایی نقاط پرکاربرد فضا و الگوهای رفتاری کاربران، توزیع پرسش‌نامه‌ها به صورت حضوری در این نقاط با حضور محقق برای تضمین صحت پاسخ‌ها، بازبینی و پاکسازی داده‌ها و نهایتاً ورود داده‌های اصلاح‌شده به نرم‌افزار SPSS ورژن ۲۷ برای تحلیل آماری بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های توصیفی و استنباطی انجام شد. به منظور کنترل روایی داده‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد که در همه مولفه‌ها بیش از ۰/۷ بود و نشان‌دهنده کیفیت مناسب داده‌ها برای تجزیه و تحلیل‌های آماری است (جدول ۱). برای ارزیابی تفاوت میان سه فضا در شاخص‌های رفتاری و ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی، از آزمون مقایسه‌ای ANOVA یک‌راهه استفاده شد تا مشخص شود کدام مولفه‌ها بیشترین تفاوت را میان فضاها ایجاد می‌کنند و فضاهای دارای سرزندگی و تعامل اجتماعی بیشتر شناسایی شوند. برای سنجش همبستگی میان ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی با رفتار کاربران، تحلیل همبستگی پیرسون به کار گرفته شد تا شدت و جهت رابطه هر مولفه مستقل با مولفه وابسته مشخص گردد.

جدول ۱) معرفی مولفه‌ها و شاخص‌های پژوهش

مولفه	آلفای کرونباخ	شاخص‌ها	منبع
ویژگی‌های کالبدی فضا	۰/۷۸۶	فرم فضایی، نحوه دسترسی و اتصال، خوانایی محیط، تنوع کاربری‌ها، انسجام و طراحی فضایی	[Askarizad & Safari, 2020; Yıldırım & Çelik, 2023; Lei *et al.*, 2025]
ویژگی‌های اجتماعی کاربران	۰/۸۲۷	ترکیب جمعیتی (سن، جنسیت، تحصیلات و وضعیت تاهل)، تعاملات گروهی، حس تعلق به فضا، میزان حضور فعال و مدت زمان استفاده از فضا	[Vidal *et al.*, 2022; Wronkowski, 2025; Liang & Leng, 2025]
تعاملات اجتماعی	۰/۷۱۹	ملاقات‌کردن، ارتباط چشمی، ارتباط شنوایی، گپ و گفت‌وگو، خندیدن، فاصله از دیگران	[Askarizad & Safari, 2020; Vidal *et al.*, 2022; Wronkowski, 2025; Pooshasb *et al.*, 2025; Mehta & Nogalski., 2024]
فعالیت‌های اختیاری	۰/۷۴۵	پیاده‌روی، تماشاکردن، ایستادن، چک‌کردن موبایل، استراحت‌کردن و درازکشیدن، دوچرخه‌سواری، نشستن، خوردن یا آشامیدن، کتاب یا روزنامه خواندن، پرسه‌زنی، سیگارکشیدن، گوش‌کردن موسیقی	[Vidal *et al.*, 2022; Liang & Leng, 2025; Pooshasb *et al.*, 2025; Mehta & Nogalski., 2024]
فعالیت‌های اجتماعی	۰/۷۳۳	بازی‌کردن، ورزش‌کردن، نمایش خیابانی، موزیک خیابانی، فستیوال‌ها و کارناوال‌های خیابانی، نمایشگاه‌های فرهنگی	[Pooshasb *et al.*, 2025; Mehta & Nogalski., 2024]
بازخورد فضایی و ارزیابی تجربه	۰/۸۶۷	استفاده از رنگ‌های شاد، جذابیت بصری، تنوع امکانات، انعطاف‌پذیری، جداره، اثر لبه، وجود نشانه‌ها و المان‌ها	[Lei *et al.*, 2025; Luo *et al.*, 2025; Wronkowski, 2025]
عوامل محیطی-اقلیمی	۰/۷۰۷	دما، تابش خورشید، شدت باد، سایه، پوشش گیاهی، کیفیت هوا	[Luo *et al.*, 2025; Liang & Leng, 2025]
مبلمان شهری	۰/۷۸۳	نشستگاه اولیه، نشستگاه ثانویه، سطل زباله، صندلی‌های انفرادی، آلاچیق، صندلی‌های تجاری	[Lei *et al.*, 2025; Pooshasb *et al.*, 2025; Mehta & Nogalski., 2024; Vidal *et al.*, 2022]

یافته‌ها

به منظور بررسی تفاوت میان سه فضای شهری منتخب (پارک لاله، بام‌لند و پارک ملت) از نظر مولفه‌های مرتبط با کیفیت و رفتار کاربران، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از آزمون واریانس یک‌طرفه (ANOVA) و همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها در دو بخش کلی شامل الف) مقایسه میان فضاها براساس مولفه‌های اصلی و ب) تحلیل روابط میان متغیرها ارایه می‌شوند. نتایج آزمون ANOVA نشان داد که میان سه فضای مورد مطالعه، در برخی مولفه‌های رفتاری تفاوت معناداری وجود دارد.

به طور مشخص، متغیر ویژگی‌های اجتماعی کاربران بین سه فضا تفاوت معناداری نشان داد (p=۰/۰۲۵)؛ به این معنا که سطح تعامل اجتماعی و نوع کنش کاربران در این فضاها به لحاظ اجتماعی با یکدیگر متفاوت است. این تفاوت به‌ویژه در پارک ملت، که دارای بیشترین حضور گروه‌های متنوع سنی و فرهنگی است، در مقایسه با بام‌لند و پارک لاله برجسته‌تر بود.

همچنین، متغیر فعالیت‌های اختیاری در سه فضا اختلاف معناداری داشت (p=۰/۰۰۱). این یافته نشان داد که شرایط کالبدی، امکانات محیطی و نوع طراحی فضا در میزان فعالیت‌های اختیاری

کاربران تاثیر مستقیم دارد؛ به گونه‌ای که فضاهای دارای تنوع عملکردی و امکانات رفاهی بیشتر، زمینه فعالیت‌های اختیاری متنوع‌تری را فراهم کرده‌اند. در مقابل، سایر مولفه‌ها از جمله ویژگی‌های کالبدی فضا (p=۰/۵۴۷)، تعاملات اجتماعی (p=۰/۳۰۲)، فعالیت‌های اجتماعی (p=۰/۵۶۲)، بازخورد فضایی و ارزیابی تجربه (p=۰/۳۵۰)، عوامل محیطی-اقلیمی (p=۰/۵۲۷) و مبلمان شهری (p=۰/۶۲۲) تفاوت معناداری میان فضاها نشان ندادند. اگرچه هر سه فضا از نظر سازمان فضایی و طراحی شهری دارای ویژگی‌های خاص خود بودند، اما در سطح آماری تفاوت چشمگیری در این ابعاد مشاهده نشد.

به طور کلی، تحلیل واریانس بیانگر آن بود که ابعاد رفتاری کاربران (به‌ویژه تعاملات اجتماعی و نوع فعالیت‌های اختیاری) بیش از ابعاد کالبدی و فیزیکی، در تمایز میان فضاها نقش داشتند.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بیشتر مولفه‌های رفتاری و کالبدی دارای همبستگی مثبت و نسبتاً قوی با یکدیگر بودند؛ این موضوع موید آن است که کیفیت فضایی و تجربه اجتماعی در فضاهای شهری به صورت شبکه‌ای از عوامل درهم‌تنیده عمل می‌کنند.

در پارک لاله، روابط قوی میان ویژگی‌های کالبدی فضا با فعالیت‌های اختیاری (r=۰/۵۸۳) و بازخورد فضایی و ارزیابی تجربه (r=۰/۶۲۸) مشاهده شد. این نتایج نشان داد که هرچه طراحی کالبدی و کیفیت فضایی مطلوب‌تر باشد، کاربران رضایت بیشتری از حضور در فضا و انجام فعالیت‌های داوطلبانه دارند.

در مجموعه بام‌لند، همبستگی معنادار بین ویژگی‌های اجتماعی کاربران و عوامل محیطی-اقلیمی (r=۰/۵۲۳) دیده شد. به نظر می‌رسد ماهیت نیمه‌باز و ساحلی این مجموعه، همراه با امکانات رفاهی، موجب شده تا شرایط اقلیمی بر تعاملات اجتماعی و حضور کاربران تاثیرگذار باشد.

در پارک ملت، روابط میان تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی (r=۰/۶۴۹) و نیز میان بازخورد فضایی و تعاملات اجتماعی (r=۰/۶۳۸) بسیار قوی بود؛ بدین معنا که در این فضا، ارتباطات میان کاربران نه‌تنها از ویژگی‌های محیطی تاثیر گرفته، بلکه در ارزیابی کلی از تجربه حضور نقش محوری داشته است.

به طور کلی، ضرایب همبستگی در تمامی فضاها نشان دادند که میان ابعاد اجتماعی، کالبدی و رفتاری همبستگی مثبت و دوسویه وجود دارد. این امر موید دیدگاه‌های نظری است که بر پیوند میان ساختار فضایی، تعاملات انسانی و کیفیت تجربه فضایی تاکید دارند. همچنین تمامی همبستگی‌ها در سطح معناداری (sig<۰/۰۵) قرار گرفته‌اند (جدول ۲).

جدول ۲) نتایج آزمون همبستگی پیرسون

مولفه		۸			۷			۶			۵			۴			۳			۲			۱		
	محدوده	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ	الف	ب	پ
۱- ویژگی‌های کالبدی	الف. لاله	۰/۳۸۸	-	-	۰/۵۸۸	-	-	۰/۶۰۳	-	-	۰/۵۱۲	-	-	۰/۵۸۳	-	-	۰/۵۱۱	-	-	۰/۵۱۶	-	-	۱	-	-
	ب. بام‌لند	-	۰/۳۵۰	-	-	۰/۵۰۸	-	-	۰/۴۷۵	-	-	۰/۵۳۸	-	-	۰/۵۶۶	-	-	۰/۴۷۴	-	-	۰/۶۳۴	-	-	۱	-
	پ. ملت	-	-	۰/۳۵۱	-	-	۰/۲۷۱	-	-	۰/۵۹۴	-	-	۰/۵۷۱	-	-	۰/۵۷۸	-	-	۰/۴۵۰	-	-	۰/۶۹۴	-	-	۱
۲- ویژگی‌های اجتماعی	الف. لاله	۰/۲۸۷	-	-	۰/۴۳۰	-	-	۰/۴۲۴	-	-	۰/۲۸۶	-	-	۰/۵۶۳	-	-	۰/۵۳۴	-	-	۱	-	-			
	ب. بام‌لند	-	۰/۳۸۱	-	-	۰/۵۲۳	-	-	۰/۵۲۲	-	-	۰/۳۵۶	-	-	۰/۵۲۰	-	-	۰/۴۷۰	-	-	۱	-			
	پ. ملت	-	-	۰/۵۸۴	-	-	۰/۲۷۹	-	-	۰/۵۱۰	-	-	۰/۵۴۲	-	-	۰/۵۵۳	-	-	۰/۴۸۶	-	-	۱			
۳- تعاملات اجتماعی	الف. لاله	۰/۱۹۴	-	-	۰/۴۶	-	-	۰/۴۹۶	-	-	۰/۲۶۲	-	-	۰/۵۶۷	-	-	۱	-	-						
	ب. بام‌لند	-	۰/۳۱۱	-	-	۰/۴۷۲	-	-	۰/۳۰۸	-	-	۰/۲۹۷	-	-	۰/۵۴۳	-	-	۱	-						
	پ. ملت	-	-	۰/۴۳۹	-	-	۰/۳۲۵	-	-	۰/۶۳۸	-	-	۰/۶۴۹	-	-	۰/۶۰۷	-	-	۱						
۴- فعالیت‌های اختیاری	الف. لاله	۰/۳۵۱	-	-	۰/۵۲۴	-	-	۰/۶۲۸	-	-	۰/۳۶۱	-	-	۱	-	-									
	ب. بام‌لند	-	۰/۳۶۸	-	-	۰/۵۲۹	-	-	۰/۳۵۷	-	-	۰/۳۷۹	-	-	۱	-									
	پ. ملت	-	-	۰/۳۱۹	-	-	۰/۶۳۵	-	-	۰/۵۱۴	-	-	۰/۴۹۹	-	-	۱									
۵-فعالیت‌های اجتماعی	الف. لاله	۰/۳۲۹	-	-	۰/۲۳۵	-	-	۰/۳۳۰	-	-	۱	-	-												
	ب. بام‌لند	-	۰/۱۹۳	-	-	۰/۳۲۴	-	-	۰/۲۸۰	-	-	۱	-												
	پ. ملت	-	-	۰/۲۴۴	-	-	۰/۳۹۵	-	-	۰/۴۱۸	-	-	۱												
۶- بازخورد فضایی و ارزیابی تجربه	الف. لاله	۰/۳۸۸	-	-	۰/۲۰۲	-	-	۱	-	-															
	ب. بام‌لند	-	۰/۲۳۰	-	-	۰/۳۲۲	-	-	۱	-															
	پ. ملت	-	-	۰/۱۹۶	-	-	۰/۵۳۳	-	-	۱															
۷- عوامل محیطی-اقلیمی	الف. لاله	۰/۵۱۰	-	-	۱	-	-																		
	ب. بام‌لند	-	۰/۴۴۱	-	-	۱	-																		
	پ. ملت	-	-	۰/۵۱۷	-	-	۱																		
۸- مبلمان شهری	الف. لاله	۱	-	-																					
	ب. بام‌لند	-	۱	-																					
	پ. ملت	-	-	۱																					

به صورت کلی، نتایج نشان داد که تفاوت میان فضاهای مورد مطالعه بیشتر در ابعاد اجتماعی و رفتاری کاربران مشاهده می‌شود تا در مولفه‌های فیزیکی یا اقلیمی. پارک ملت با برخورداری از تنوع فعالیتی، گروه‌های سنی مختلف و حضور پررنگ تعاملات اجتماعی، بیشترین غنای رفتاری را دارا بود. در مقابل، بام‌لند به دلیل تمرکز بر فعالیت‌های اختیاری و تجربه‌محور، فضای پویاتری در میان سه نمونه به شمار می‌رود.

تحلیل همبستگی نیز نشان داد که مولفه‌های کالبدی، اجتماعی، اقلیمی و مبلمان شهری در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و ترکیب مناسب آنها می‌تواند زمینه‌ساز افزایش فعالیت‌های داوطلبانه و احساس رضایت کاربران از محیط شود.

بنابراین، یافته‌ها حاکی از آن بود که تعامل میان کیفیت کالبدی فضا و کنش اجتماعی کاربران، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری تجربه فضایی مثبت در فضاهای شهری است؛ به عبارتی، زمانی که طراحی

فضا از نظر اقلیمی، عملکردی و زیبایی‌شناختی مطلوب باشد، مشارکت اجتماعی و احساس تعلق کاربران نیز افزایش می‌یابد.

بحث

هدف این پژوهش ارایه چارچوبی تحلیلی برای درک و بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهری بود که مبتنی بر تعامل دوسویه کالبد و اجتماع باشد.

میان سه فضای عمومی مورد بررسی، تفاوت معناداری در ویژگی‌های اجتماعی کاربران و فعالیت‌های اختیاری وجود داشت، در حالی که سایر مولفه‌ها از جمله ویژگی‌های کالبدی، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های اجتماعی، بازخورد فضایی و عوامل محیطی تفاوت آماری معناداری نداشتند. این الگو بیانگر آن است که رفتار کاربران در فضاهای عمومی بیش از آنکه نتیجه تفاوت‌های فیزیکی فضا باشد، تحت تاثیر ترکیب جمعیتی، انگیزه‌های حضور و شرایط اجتماعی هر مکان شکل گرفته است. چنین نتیجه‌ای با دیدگاه *گل* [Gehl, 2011] و *مهتا* [Mehta, 2019] همخوان است که حیات اجتماعی فضا را نتیجه کنش متقابل میان انسان و محیط می‌دانند و تاکید می‌کنند طراحی کالبدی به‌تنهایی تضمین‌کننده پویایی اجتماعی نیست، مگر آنکه با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی استفاده‌کنندگان هماهنگ شود.

در تفسیر تفاوت‌های مشاهده‌شده میان سه فضا، می‌توان دریافت که پارک ملت، با توجه به پیشینه تاریخی و انسجام کالبدی خود، بیشترین همبستگی بین ویژگی‌های فیزیکی و رفتار کاربران را داشت. این الگو با یافته‌های *لی* و همکاران و *ویدال* و همکاران [Lei *et al.*, 2025; Vidal *et al.*, 2022] همراستا است که نشان داده‌اند فضاهایی با ساختار فضایی خوانا، دسترسی مطلوب و مبلمان انسانی‌تر، استفاده مستمر و رفتارهای اجتماعی پایدارتری را ایجاد می‌کنند. در مقابل، در مجموعه بام‌لند، روابط میان مولفه‌های اجتماعی و رفتاری قوی‌تر بود، به طوری که حضور گروه‌های متنوع و تعاملات غیررسمی، بیش از عوامل فیزیکی، بر الگوهای استفاده اثر گذاشتند. چنین نتیجه‌ای با مشاهدات *ورونکوفسکی* [Wronkowski, 2025] درباره تاکتیک‌های رفتاری در فضاهای عمومی نوین همسو است که نشان دادند رفتار کاربران در فضاهای چندمنظوره بیشتر بر مبنای انگیزه‌های فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد تا ساختار فیزیکی.

در پارک لاله نیز که کارکرد فرهنگی و آموزشی پررنگ‌تری دارد، رفتارها عمدتاً از نوع فعالیت‌های فردی یا آرام بودند. این الگو با یافته‌های *بیلدیریم* و *چلیک* [Yıldırım & Çelik, 2023] در مطالعه پیاده‌راه‌های استانبول قابل مقایسه است؛ آنها نیز گزارش کرده‌اند که فضاهای با سطح بالای خوانایی و کیفیت محیطی مطلوب، رفتارهای آرام‌تر، نظاره‌گرانه‌تر و کم‌تحرک‌تر را در کاربران القا می‌کنند. از این منظر، نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه‌های *عسکری‌زاد* و *صفری* [Askarizad & Safari, 2020] نیز همراستا است که نشان داده‌اند نحوه تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی ایران، بیش از هرچیز تحت تاثیر ترکیب جمعیتی و هنجارهای فرهنگی کاربران است.

عدم تفاوت معنادار میان سه فضا از نظر ویژگی‌های کالبدی را می‌توان ناشی از ماهیت نسبتاً مشابه طراحی پارک‌های شهری تهران دانست. استانداردهای طراحی شهری در این فضاها غالباً از الگوی یکسانی تبعیت می‌کند: مسیرهای پیاده مرکزی، فضاهای سبز گسترده، مبلمان مشابه و کاربری‌های عمومی همسان. در نتیجه، تاثیر کالبدی بر رفتار ممکن است در میان فضاها هم‌سطح شده باشد. یافته مشابهی در پژوهش *باروس* و *مهتا* [Barros & Mehta, 2024] نیز گزارش شده است که بیان دارد در شرایطی که کیفیت طراحی میان فضاها تقریباً برابر است، تفاوت‌های رفتاری بیشتر از عوامل اجتماعی ناشی می‌شود.

در عین حال، یافته‌ها با برخی از پژوهش‌های پیشین در تضاد نسبی قرار دارند. برای نمونه *عسکری‌زاد* و *هی* [Askarizad & He, 2025]، در مطالعه خود درباره فضاهای عمومی ایران، نشان داده‌اند که مبلمان شهری و طراحی کالبدی می‌توانند نقش موثری در تشویق فعالیت‌های اجتماعی ایفا کنند. تفاوت نتایج می‌تواند ناشی از ماهیت موردهای پژوهشی باشد؛ آن مطالعه بیشتر بر فضاهای کوچک‌مقیاس و متمرکز (نظیر میدان‌ها یا فضاهای نیمه‌عمومی) تمرکز داشت، در حالی که پژوهش حاضر سه فضای بزرگ‌مقیاس و متنوع را بررسی کرد که در آنها تعاملات اجتماعی اغلب پراکنده و غیرمتمرکز رخ داد.

از دیدگاه نظری، نتایج پژوهش حاضر بر مدل تطابق رفتار-محیط *بارکر* [Barker, 1968] تاکید می‌کند. یافته‌ها نشان دادند که در پارک ملت، همبستگی بالاتر میان ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی منجر به شکل‌گیری رفتارهای منظم‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر شده بود؛ این در حالی است که در بام‌لند که ساختار اجتماعی متنوع‌تر و فضا انعطاف‌پذیرتر است، رفتارها سیال‌تر و غیررسمی‌تر بودند. این تفاوت‌ها با تبیین‌های *لو* و همکاران [Luo *et al.*, 2025] درباره نقش تعدیل‌کننده بافت اجتماعی در شکل‌دهی رفتارها همخوان است.

عوامل اقلیمی و زمانی نیز ممکن است در تبیین نتایج نقش داشته باشند. گردآوری داده‌ها در فصل بهار، که شرایط آب و هوایی مطلوب‌تر است، احتمالاً باعث افزایش حضور کاربران و کاهش تاثیر مولفه‌های کالبدی مانند سایه، تابش خورشید یا کیفیت مبلمان شد. این فرض با یافته‌های *لیانگ* و *لنگ* [Liang & Leng, 2025] همراستا است که نشان داده‌اند رفتار کاربران در فضاهای باز در مناطق سردسیری تابع فصل و شرایط اقلیمی است.

از منظر تحلیلی، می‌توان استدلال کرد که تفاوت‌های معنادار در فعالیت‌های اختیاری، بازتابی از میزان انعطاف اجتماعی هر فضا است. در بام‌لند، فعالیت‌هایی نظیر پرسه‌زنی، خوردن و آشامیدن یا مشاهده مناظر شهری، با بافت عملکردی آن سازگار بود؛ در حالی که در پارک‌های لاله و ملت، فعالیت‌های اختیاری بیشتر به استراحت، پیاده‌روی یا تعاملات خانوادگی محدود می‌شد. این الگو با

یافته‌های *پوشاسب* و همکاران [Pooshasb *et al.*, 2025] درباره نقش زندگی میان ساختمان‌ها در فضاهای سبز شهری ایران همسو است و نشان می‌دهد که ماهیت اجتماعی فضا می‌تواند به همان اندازه طراحی کالبدی، الگوی رفتار را شکل دهد.

به طور کلی، نتایج این پژوهش تاکید می‌کند که پایداری اجتماعی فضاهای عمومی در گرو درک همزمان ابعاد کالبدی و اجتماعی است. این هم‌زیستی میان فضا و اجتماع، همان‌گونه که *گل* [Gehl, 2011] و *کارمونا* [Carmona, 2019] بیان کرده‌اند، اساس شهر انسان‌محور را شکل می‌دهد؛ شهری که در آن طراحی، مدیریت و سیاست‌گذاری، همگی بر مبنای فهم رفتار و نیاز واقعی شهروندان استوارند.

از نظر سیاست‌گذاری شهری، نتایج پژوهش چند پیام کلیدی دارد. نخست، مدیران شهری باید در کنار بهبود کیفیت فیزیکی فضاها، بر تنوع اجتماعی و مشارکت گروه‌های مختلف شهروندان تمرکز کنند. ایجاد فرصت برای فعالیت‌های داوطلبانه، رویدادهای جمعی و طراحی فضاهای چندمنظوره می‌تواند تعاملات اجتماعی را تقویت کند [Carmona, 2019]. دوم، در طراحی فضاهای جدید، به‌ویژه مراکز ترکیبی تجاری-تفریحی مانند بام‌لند، لازم است از رویکردهای انسان‌محور استفاده شود تا انگیزه‌های متفاوت کاربران (از مصرف تا تعامل اجتماعی) به طور متوازن پاسخ داده شود [Mehta & Bosson, 2018; Lei *et al.*, 2025]. سوم، در فضاهای سنتی‌تر مانند پارک‌های شهری، سیاست‌های مدیریتی باید به حفظ حس تعلق و ارتقای تجربه فضایی از طریق بازآفرینی فضاهای تعامل خرد (مانند فضاهای نشسته، مسیرهای متقاطع و عرصه‌های مشترک) توجه کنند.

از منظر علمی، این پژوهش با تلفیق دو بُعد کالبدی و اجتماعی، شکاف موجود در ادبیات رفتارشناسی فضاهای شهری را تا حدی پر می‌کند. بسیاری از مطالعات پیشین به صورت تک‌بُعدی بر طراحی فیزیکی یا رفتار اجتماعی تمرکز داشتند [Askarizad & Safari, 2020; Vidal *et al.*, 2022]، در حالی که نتایج حاضر نشان داد تاثیر این دو عامل متقابل و وابسته است. بنابراین، مدل‌های رفتاری آینده باید تعامل این ابعاد را به صورت شبکه‌ای و پویا در نظر گیرند.

همچنین لازم است محدودیت‌های پژوهش نیز در تفسیر نتایج لحاظ شود. نخست، نمونه‌گیری صرفاً از کاربران حاضر در فضا در یک بازه زمانی خاص انجام شد و امکان بررسی تفاوت‌های زمانی (روز-شب یا فصلی) وجود نداشت. دوم، ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود و امکان تحلیل رفتاری مبتنی بر مشاهده مستقیم یا فناوری‌های دیجیتال فراهم نشد. در حالی که مطالعات جدیدتر [Marasinghe *et al.*, 2024] نشان داده‌اند تحلیل ویدیویی و داده‌های مکانی می‌تواند دقت ارزیابی رفتار کاربران را افزایش دهد. سوم، تمرکز پژوهش بر سه فضای خاص در تهران تعمیم نتایج به سایر شهرها را محدود می‌کند.

در راستای غلبه بر این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی از ترکیب روش‌های کمّی و کیفی، به‌ویژه تحلیل ویدئویی و مشاهده نظام‌مند استفاده کنند تا الگوهای واقعی‌تر حضور، تعامل و حرکت کاربران شناسایی شود. همچنین، تحلیل تاثیر مولفه‌های زمینه‌ای مانند جنسیت، گروه سنی، سطح تحصیلات و انگیزه‌های روان‌شناختی بر رفتار فضایی می‌تواند بینش دقیق‌تری درباره نحوه استفاده از فضاهای عمومی ارایه دهد. در نهایت، مقایسه میان فضاهای شهری با کارکردهای متفاوت (نظیر فضاهای تجاری، فرهنگی، تفریحی و تاریخی) می‌تواند به توسعه مدل‌های رفتارمحور در طراحی شهری کمک کند.

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های اجتماعی کاربران و فعالیت‌های اختیاری آنان، در مقایسه با ویژگی‌های کالبدی، نقش تعیین‌کننده‌تری در شکل‌دهی به الگوهای رفتاری در فضاهای عمومی شهری تهران ایفا می‌کنند.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.
تاییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.
تعارض منافع: موردی برای گزارش وجود ندارد.
سهم نویسندگان: آرش پوشاسب تمام امور مقاله را انجام داده است (۱۰۰٪)
منابع مالی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- Askarizad R, He J (2025). The role of urban furniture in promoting gender equality and static social activities in public spaces. Ain Shams Engineering Journal. 16(2):103250.
- Askarizad R, Safari H (2020). The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces (case study: The pedestrian zone of Rasht Municipality Square, Iran). Cities. 101:102687.
- Barker RG (1963). The stream of behavior: Explorations of its structure & content. New York: Appleton-Century-Crofts.
- Barros P, Mehta V (2024). Does restorativeness support liveliness on commercial streets?. Journal of Urban Design. 29(4):400-427.
- Carmona M (2019). Principles for public space design, planning to do better. Urban Design International. 24:47-59.
- Gehl j (2011). Life between buildings: Using public space. Washington: Island press.
- Lei T, Hu H, Feng G, Wang L, Chen Y, Chen B, et al (2025). Evaluation and application of public space in commercial buildings based on user behaviour needs. Alexandria Engineering Journal. 125:29-41.
- Liang S, Leng H (2025). Residents' seasonal behavior patterns and spatial preferences in public open spaces of severely cold regions: Evidence from Harbin, China. Habitat International. 156:103279.
- Luo Z, Marchi L, Gaspari J (2025). A systematic review of factors affecting user behavior in public open spaces under a changing climate. Sustainability. 17(6):2724.
- Marasinghe R, Yigitcanlar T, Mayere S, Washington T, Limb M (2024). Computer vision applications for urban planning: A systematic review of opportunities and constraints. Sustainable Cities and Society. 100:105047.
- Mehta V, Nogalski S (2024). Suburban camouflage in

the indicators of Life between buildings in Honarmandan park. SOFFEH. [Persian]
- Vidal DG, Teixeira CP, Fernandes CO, Olszewska-Guizzo A, Dias RC, Vilaça H, et al (2022). Patterns of human behaviour in public urban green spaces: On the influence of users' profiles, surrounding environment, and space design. Urban Forestry & Urban Greening. 74:127668.
- Wronkowski A (2025). Towards discovering human urban activity-tactics of human spatial behavior. Journal of Human Behavior in the Social Environment. 35(4):624-642.
- Yıldırım ÖC, Çelik E (2023). Understanding pedestrian behavior and spatial relations: A pedestrianized area in Besiktas, Istanbul. Frontiers of Architectural Research. 12(1):67-84.
urban neighbourhoods: New building typologies and their impact on social life of residential streets. Journal of Urban Design.1-27.
- Mehta V (2019). Streets and social life in cities: A taxonomy of sociability. Urban Design International. 24:16-37.
- Mehta V, Bosson JK (2018). Revisiting lively streets: Social interactions in public space. Journal of Planning Education and Research. 41(2):160-172.
- Mulyadi AM, Sihombing AVR, Hendrawan H, Vitriana A, Nugroho A (2022). Walkability and importance assessment of pedestrian facilities on central business district in capital city of Indonesia. Transportation Research Interdisciplinary Perspectives. 16:100695.
- Pooshasb A, Mansori M, Khezerlou A (2025). Explaining